



دانشکده هنر

پایان نامه جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد رشته ی نقاشی

عنوان

هنر معنوی از دیدگاه سید حسین نصر و تحلیل نگاره های شاهنامه ی بایسنقری بر این اساس

اساتید راهنما

جناب آقای دکتر منصور حسامی

جناب آقای دکتر محمد معمارزاده

دانشجو

سیده غزاله واعظ موسوی

بهمن ۱۳۸۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

با تشکر و قدردانی از تمامی اعضای خانواده و دوستانی که در طی این دوران با کمکها و شکیبایی خود مرا همراهی کردند.

از اساتید محترم، جناب آقای دکتر منصور حسامی و جناب آقای دکتر محمد معمارزاده به خاطر راهنمایی های نکته بینانه و ارزشمندشان سپاسگزارم و قدردانی می کنم از اینکه نگرشی تازه به من آموختند. و در نهایت از استاد مهدی حسینی سپاسگزاری می کنم که بسیار سخاوتمندانه مرا یاری کردند.

چکیده

این تحقیق به منظور تحلیل آرای سید حسین نصر و هم اندیشان وی در مورد هنر انجام پذیرفته است. از آنجایی که آنها با مکتب سنت گرا شناخته می شوند، توضیحات مختصری درباره ی سنت و مکتب سنت گرایی نیز ارائه شده است. همچنین، به بیان تقسیمات و توضیحاتی که نصر از هنر ارائه می دهد، اعم از هنر سنتی و قدسی نیز پرداخته و سعی شده است تا با نگرشی متکی بر نظریات و تقسیم بندی وی از هنر، به تحلیل نگاره های ارزشمند شاهنامه ی بایسنقری که مربوط به قرن نهم هجری قمری است، پرداخته شود. در این تحقیق، مبنای تحلیل نگاره ها، درک معنایی، یعنی رمزی که هر کدام از عناصر تصاویر با خود به همراه داشته اند، بوده است. همچنین، نگاره های شاهنامه بایسنقری از لحاظ رنگ، ترکیب بندی، و نقشی که عناصر تصویر دارند بررسی شده و بین آنها و نگاره های معراج نامه مقایسه هایی نیز صورت گرفته است.

در نهایت چنین نتیجه گیری شده است که هدف هنر سنتی که نصر از آن سخن به میان می آورد، تجلی صفات الهی در زندگی روزمره ی بشر است؛ این هنر باعث پیوند میان انسان و پروردگار می شود، بنابراین، نگارگری نیز با دریچه ای که بر چشم و دل مخاطب به عالم معنا می گشاید، هنری سنتی است. شواهدی از نگاره های شاهنامه ی بایسنقری ارائه شده که به زیبایی این واقعیت را بیان می کنند.

واژه های کلیدی: سید حسین نصر، هنر سنتی، هنر قدسی، هنر اسلامی، نگارگری ایرانی، شاهنامه ی بایسنقری.

فصل اول (طرح تحقیق)

مقدمه	۲
بیان مسئله	۵
اهداف پژوهش	۶
فرضیه های پژوهش	۶
پیشینه ی پژوهش	۷
تعریف جامعه آماری	۱۱
شیوه ی جمع آوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل داده ها	۱۱

فصل دوم (ادبیات تحقیق)

تعریف هنر	۱۳
هنر سنتی در نگارگری	۱۶
هنر مقدس	۲۰
هنر و هنرمند اسلامی	۲۶
زیبایی، تجلی و عشق، ارکان هنر اسلامی	۲۸
نگارگری در هنر اسلامی	۳۳

فصل سوم (بررسی نگاره های شاهنامه ی بایسنقری)

شاهنامه ی بایسنقری	۳۸
شکارگاه	۴۰
ملاقات فردوسی با شاعران غزنه	۴۳
پادشاهی جمشید	۴۵
ملاقات رستم و اسفندیار	۴۷
ملاقات یزدگرد و منذر و سپردن بهرام	۴۸

۴۹مجلس کیکاوس
۵۴باغ در نگارگری
۵۷پیر فرزانه
۶۰نبرد رستم با خاقان چین
۶۱نبرد کیخسرو با افراسیاب
۶۵کشته شدن سیاوش
۷۱سوگواری فرامرز بر تابوت رستم و عمویش زواره
۷۳در بند شدن ضحاک در کوه دماوند
۷۵نبرد رستم با دیو سپید
۷۸ملاقات رودابه با زال
۸۱ملاقات اردشیر و گلنار

فصل چهارم (نتیجه گیری و پیشنهادات)

۸۵نتیجه
----	------------

فصل پنجم (گزارش کار عملی)

۹۰گزارش
۱۰۰فهرست منابع و مآخذ

فهرست تصاویر

صفحه

تصویر ۱، شکارگاه.....	۴۱
تصویر ۲، شکارگاه.....	۴۲
تصویر ۳، ملاقات فردوسی با شعرای غزنه.....	۴۴
تصویر ۴، پادشاهی جمشید.....	۴۶
تصویر ۵، ملاقات رستم و اسفندیار.....	۵۰
تصویر ۶، ملاقات یزگرد و منذر و سپردن بهرام.....	۵۱
تصویر ۷، بر تخت نشستن کیکاوس.....	۵۲
تصویر ۸، حوران.....	۵۵
تصویر ۹، سرگرمی حوران.....	۵۶
تصویر ۱۰، نبرد رستم با خاقان چین.....	۵۹
تصویر ۱۱، قسمتی از تصویر ۱۰.....	۶۰
تصویر ۱۲، نبرد کیخسرو با افراسیاب.....	۶۱
تصویر ۱۳، قسمتی از تصویر ۱۲.....	۶۲
تصویر ۱۴، قسمتی از تصویر ۱۰.....	۶۳
تصویر ۱۵، قسمتی از تصویر ۱۲.....	۶۴
تصویر ۱۶، قتل سیاوش.....	۶۵
تصویر ۱۷، قسمتی از تصویر ۱۶.....	۶۶
تصویر ۱۸، کشته شدن ارجاسب به دست اسفندیار.....	۶۹
تصویر ۱۹، سوگواری فرامرز بر تابوت رستم و زواره.....	۷۱
تصویر ۲۰، در بند شدن ضحاک.....	۷۴
تصویر ۲۱، نبرد رستم با دیو سفید.....	۷۵
تصویر ۲۲، قسمتی از تصویر ۲۱.....	۷۶
تصویر ۲۳، قسمتی از تصویر زنان سبک رفتار و ریاکاران از کتاب معراج نامه شاهرخی.....	۷۷
تصویر ۲۴، قسمتی از تصویر ۲۶.....	۷۸
تصویر ۲۵، ملاقات زال با رودابه.....	۷۹
تصویر ۲۶، قسمتی از تصویر ۲۵.....	۸۰
تصویر ۲۷، دیدار گلنار با اردشیر.....	۸۲

فصل اول

طرح تحقیق

چندی است که در بسیاری از مباحث مختلف، از علمی گرفته تا دینی، با واژه ی سنت روبرو هستیم. در تعریف سنت باید خاطر نشان شد که این واژه با معنای رایج آن که آداب، رسوم، باورها و رفتارهایی که ریشه در فرهنگ گذشته دارند را در بر می گیرد، بسیار متفاوت است. نصر در این باره، بسیار روشن به توضیح واژه ی سنت می پردازد: «سنت به مفهوم خاص کلمه در این مکتب، اصول و حقایقی است که ریشه در ساحت الهی دارد و از طریق وحی به عالم انسانی نازل شده و بر همه ی شئون حیات انسان از قانون تا نظام اجتماعی، نمادها، علوم و هنر حاکم است.» (فغفوری، ۱۳۸۷، ص ۵۸) او به تعبیری عام تر، سنت را اصولی جهان شمول می داند که انسان را به منشاء الهی خود پیوند می زند. این اصول حقیقت واحدی هستند که در یک لحظه، هم منشاء تمام حقایق و هم قلب هر دین را در بر می گیرند.

ظاهراً افکار سنت گرایان در نیمه ی اول قرن بیستم شکل گرفته است و رنه گنون^۱ را به گونه ای بنیانگذار این جریان به شمار می آورند. آناندا کوماراسوامی^۲، فریتیوف شوان^۳ و تیتوس بورکهارت^۴ از جمله دیگر سنت گرایان هستند.

سنت گرایان اندیشه های ویژه ای در مورد خدا، هستی، وحی، انسان، زندگی و هنر دارند. این اندیشه ها اقتباس از نظر حکما و عالمان برجسته ی گذشته هستند که در همه ی فرهنگها نمونه های آشکار دارند و خاستگاه های دینی و فرهنگی گسترده ای، از شرق تا غرب را در بر می گیرند.

سنت گرایان به باورهای دینی اهمیت خاص می دهند و احترام ویژه ای برای همه ی ادیان قائل هستند و ریشه ی همه ی آنها را مشترک می دانند. «به بیان دیگر، اغلب آنان به روابط طولی ادیان باور و به ختمیت اسلام اعتقاد دارند و اصل همه ی ادیان را چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم برگرفته از وحی می دانند.» (پژوهشنامه، ۱۳۸۷، ص ۴۰)

هنر از مآقوله های مهم این مکتب به شمار می رود و رابطه ی میان سنت گرایان و هنر بسیار تنگاتنگ است. نوشته های ارزشمند بسیاری، از سنت گرایان در ارتباط با هنر موجود است. به

^۱ Rene Guenon, (1886-1951).

^۲ . . آناندا کوماراسوامی (A.K. Coomaraswamy)، متخصص بزرگ هندی در زمینه مابعدالطبیعه و هنر سنتی. (تیتوس بورکهارت، هنر مقدس (اصول و روشها)، ترجمه جلال ستاری (تهران: سروش، ۱۳۶۹)، ص ۸).

^۳ Frithjof Schuon, (1907-1998).

^۴ Titus Burckhardt

طور کلی کمتر اثری در این حوزه می توان پیدا کرد که با هنر در ارتباط نباشد. توجه به هنر در نزد سنت گرایان به دلیل جایگاه والا ی آن است و «اثر هنری در نزد آنان از ارکان معرفت شناسی نظری و عملی شمرده می شود.» (پژوهشنامه، ۱۳۸۷، ص ۴۲)

از تقسیم بندی هایی که سنت گرایان برای هنر به کار می برند، هنر سنتی و هنر مقدس است. هنر مقدس از وجوه مهم هنر سنتی به شمار می رود. یکی از مهم ترین ویژگی های نگرش سنت گرایان به هنر سنتی، داشتن سرچشمه ی ماورایی و الهی است. بنا بر این ویژگی، هنر بازتاب جهان معنوی است و جز با شهود قابل درک نیست. به همین علت آنها هنر را با چنین شهودی قابل خوانش می دانند. از نظر بیانی، هنر سنتی، هنری رمزی است، « که از دلالت های ضمنی بهره می برد و به همین جهت لایه های گوناگون دلالت پردازی دارد. ... رمزی بودن اثر، دورنی بودن آن را بیان می کند. هنرمند سنتی نمی خواهد آن چیزی که در درون دارد، بی پرده برملا سازد.» (پژوهشنامه، ۱۳۸۷، ص ۴۵) پیوند با عقل و علم از دیگر ویژگی های هنر سنتی به شمار می رود و معتقدند که هنر سنتی بویژه در وجه قدسی آن بر اساس علم بنا شده و با این علم به تبیین عالم می پردازد.

سید حسین نصر از نسل دیگر سنت گرایان است که به راه و روش نسل پیشین تداوم بخشیده است. او نزدیک به پنج دهه در عرصه های علمی و تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی کوشش های قابل توجهی انجام داده است. به گفته ی منوچهر دین پرست، "بن مایه های معرفتی" نصر، بر پایه ی بازخوانی اسطوره ای و فلسفی معطوف به علم و تمدن ایرانی - اسلامی قرار دارد. او ادامه می دهد که نصر، در سلوک فیلسوفانه اش نیز از راه اسلام وارد شده است. فلسفه در آرای نصر، یک فعالیت صرفاً عقلانی نیست، بلکه جست و جویی برای ادراک و نزدیک شدن به پروردگار است. فلسفه نزد نصر، این است که انسان خود را از حقیقت فراموش شده متذکر سازد. نزد او، فلسفه به عنوان سعی مقدسی است که در نهایت به آن حقیقت ازلی، یزدان، راه می یابد.

ارتباط فلسفه ی نصر با معنویت و هنر اسلامی را می توان در نحوه ی شکل گیری ذهن و روح مسلمان، مخصوصاً هنرمندان به خوبی مشاهده کرد. هنرمندانی که با تربیت انسانی خود، هنگامیکه دست به خلق اثر هنری می زنند، تاکید بر جلال و عظمت پروردگار می کنند. در این خصوص هنرمندان ایرانی نقش مهم و پررنگی را ارائه می دهند. از جمله شاهکارهای هنر ایرانی، که این خصوصیات را در خود پرورانده است، شاهنامه ی بایسنقری است. نگاره های این کتاب با ارزش به گونه ای هستند که طمأنینه ی هنرمند را می توان در آنها لمس کرد.

گویی هنرمند، ذهنش را درون خود متمرکز کرده و به آرامش باطنی دست پیدا کرده است. او از طریق این آرامش درونی نسبت به پروردگار آگاهی پیدا کرده و به خلق اثر مشغول شده است. در این پژوهش سعی بر آن شده تا با تکیه بر افکار سنت گرایان، خصوصاً سید حسین نصر، به تحلیل و توصیف این آثار هنری پرداخته شود. چیزی که میان این آرا و این آثار مشترک به نظر رسید حق و حقیقت است. آراییی که منشأشان حقیقت است و آثاری که هم منشأشان از حقیقت سرچشمه می گیرد و هم مقصدشان به حقیقت ختم می شود.

بیان مسئله

در تاریخ فرهنگ و هنر، معنای هنر با نوعی الهام و اشراق همراه بوده است که گاهی عقل و ادراک انسانی از درک آن عاجز است. برای هنر، نمی‌توان مانند چیزهای دیگر، قوانینی خاص وضع کرد و از نظر منطقی، جنس، محدوده و ... آن را تعیین کرد و تعریف علمی از آن ارائه داد؛ به این علت که هنر یک امر معنوی است و فراتر از حد‌ها و مرزهای قابل درک برای انسان است. هنر اسلامی نیز بر معرفتی بنا شده است که دارای ذات روحانی می‌باشد. این هنر به ظواهر اشیا نظر نمی‌کند، بلکه حقیقت درونی آنهاست را آشکار می‌سازد و اصول اساسی آنها را متجلی می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت هنر اسلامی همانندسازی حقایق الهی در قالب مادی و زمینی است تا اینکه انسان را به مقصد حقیقی خویش که همان نزدیک شدن به خداوند است، برساند. سید حسین نصر از فیلسوفان بزرگ معاصر است که نظریات بسیاری در رابطه با هنر، بویژه هنر سنتی و قدسی ارائه داده است. با مطالعه آثار او، متوجه پیوند هر چه بیشتر میان هنر و معنویت و عرفان شده و در سدد استفاده از آرای او و هم‌اندیشانش در رابطه با هنر ایرانی - اسلامی، بویژه نگارگری، برآمدم.

در فرهنگ ایرانی، پیوند میان امور نفسانی و امور معنوی، چیزی است که تا حد زیادی وجه ممیز فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید. معنای زیبایی و پالودگی طبیعت جسمانی و معنوی در هنرهای ایرانی و البته در اندیشه ایرانی نمایان است. از دیگر مشخصه‌های فرهنگ ایرانی انعطاف‌پذیری آن است. سید حسین نصر می‌گوید: «روح ایرانیان همچون سرشاخه نازکی است که بی‌آنکه بشکنند، خم می‌شود.» (نصر، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸) در این رابطه، او ادامه می‌دهد که این بدین مفهوم است که فرهنگ ایرانی از توان جذب بالایی برخوردار بوده است و ورود اسلام به ایران هم، این ویژگی را تقویت کرد و راز ماندگاری دراز مدت این فرهنگ بزرگ را توانایی آن در جذب فرهنگ‌های دیگر و انعطاف‌پذیر بودن آن می‌داند.

همانطور که می‌دانیم، در دوره تیموریان شاهکارهای هنری بسیاری خلق شده است و مکتب هرات یکی از مهمترین مکاتب این دوره به شمار می‌آید. نگارگری این مکتب، به کمالی رسید که اوج هنر تصویری آن زمان بود.

این امر باعث شد تا در نگاره‌های شاهنامه‌ی بایسنقری که یکی از شاهکارهای مکتب هرات است، به جست‌وجوی حالت عرفانی و معنوی پرداخته و سعی بر آن شد تا از آرای نصر و تعاریف و تقسیماتی که از هنر ارائه داده است برای توصیف زیبایی بی‌حد و حصر این

مجموعه استفاده شود و این سوال بوجود آمد که چگونه نگارگر ایرانی با پیشینه فرهنگی که از آن یاد شد، دست به تلفیق سنت خویش و معرفت اسلامی در مصور سازی این کتاب زده است؟

اهداف پژوهش

اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- سعی در تعریف معنا و مفهوم عرفان و معنویت در هنر به ویژه هنر ایران بعد از اسلام.
- ۲- مشخص نمودن آراء حسین نصر و هم اندیشانش در رابطه با هنر عرفانی و معنوی.
- ۳- ارزیابی و تحلیل نگاره های شاهنامه ی بایسنقری به عنوان نمونه ی هنر ایرانی اسلامی و جست و جوی معنویت در آنها.

فرضیه های پژوهش:

فرضیات پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- ۱- معنویت در هر نوع هنری وجود دارد.
- ۲- با ارزش قرار گرفتن معنویت در جوامع، به ارزش هنر افزوده می شود و هنر عرفانی و سنتی در فرهنگ مردم ریشه دار می شود.
- ۳- نگارگری ایرانی همانند هنر های دیگر از معنویتی خاص برخوردار است و هدف آن نیز همانند دیگر هنر ها، جلوه گر نمودن ذات پروردگار و نزدیک شدن به او است.

پیشینه پژوهش:

در رابطه با این پژوهش،

- افسانه ناظری (۱۳۷۴)، در پایان نامه ی خود با هدف بررسی پدیدار شناسانه اثر هنری یا تصویر، ابتدا در شرح جهان تفکر ایرانی و تصویر جهان به حکمت اشراق سهروردی، عالم مثال و عالم خیال، شیخ، وحدت وجود و سلسله مراتب ابن عربی پرداخته است و با روش کتابخانه ای به بیان هنر در فرهنگ اسلامی و زیبایی شناسی در هنر اسلامی و نظام عددی جهان شکل می پردازد. همچنین صور خیال در شعر و نقاشی عرفانی به تفصیل شرح داده شده است. زیبایی شناسی نقاشی ایران از دیگر مباحث این پژوهش است.

- مهرداد احمد امیر آقایی (۱۳۷۵)، در پایان نامه ی خود به ماهیت نگارگری ایرانی - اسلامی و ارائه ی معیاری با زیر بنای حکمت و فلسفه اسلامی در تجزیه و تحلیل این آثار، پرداخته است که با ارزش مطالعه ی کتابخانه ای انجام یافته است. جهت شناخت هنر غربی و هنر شرقی سعی شده عالم مثال و وجه تمایز آن با عالم خیال شناخته شود و ریشه ی وجود نمادهای مختلف در هنرهای ایرانی - اسلامی را در عالم مثال دانسته است. محقق پس از بررسی شکل گیری ویژگی های دو مکتب هرات و نگارگری تبریز، به تجزیه و تحلیل آثار استادان این دو مکتب، کمال الدین بهزاد و سلطان محمود و به ویژه دو اثر معروف آنها گریز یوسف از زلیخاه و معراج حضرت محمد پرداخته است بدون اینکه به نتیجه ی خاصی اشاره کند.

- محمدرضا حسینی (۱۳۷۵)، به بررسی دیدگاه انتزاع در غالب تجلیات احساسات هنرمند و طبیعت پردازی، پرداخته است. او در فصل سوم پایان نامه ی خود به هنر قدسی و تباین هنر سنتی با آن پرداخته است.

- فرحناز همدانی زاده (۱۳۷۷)، در پایان نامه ی خود با هدف نگاهی علمی و فرهنگی، به گستره ی رنگها وارد شده و از جهت ذهنی بار معنایی رنگهای نمادین را بررسی نموده است. در هنر ایرانی - اسلامی رنگهای چندی در ادبیات را ه یافته اند مانند هفت گنبد نظامی که تجزیه رنگی هر گنبد بنا بر نام همان رنگ ارائه گشته است. رنگ در معماری ایرانی - اسلامی و قرآن نیز بررسی گشته است. رنگ و نمادهای رنگین در هند و آیین هندوئیسم و تجزیه و تحلیل رنگی در سه اثر هندی از دیگر بخش های پژوهش حاضر است.

- سوسن اتحاد مردانگاہی (۱۳۷۸)، در پایان نامه ی خود با هدف یافتن مفاهیم نمادهای نگاره های دوران تیموری و با روش مطالعه ی کتابخانه ای به شاهنامه ی بایسنقر میرزا، معراج نامه، کلیله و دمنه، خمسه نظامی و شاهنامه ی طهماسبی پرداخته است و در راستای تحقق اهداف، پژوهشگر به بررسی روانی بر اساس مضامین داستانها پرداخته و مطالبی در ارتباط با نحوه ی کار در این نسخ مصور ارائه نموده است و به این نتیجه رسیده است که زمزها و نمادها در این مجموعه بر اساس عقاید و اصول فکری هر نقاش ترسیم گشته است و در شاهنامه ی بایسنقر میرزا بیشتر مواجه با صلابت کار در صحنه های رزمی و رنگ های خاموش هستیم و در معراج نامه، آیات و روایات قرآنی شالوده ی اصلی تمام تصاویر است. در کلیله و دمنه حکایات پند آموز در کنار طبیعت پردازی را ناظریم و در خمسه در دنیای شلوغ نگاره ها شاهد دنیایی از رازها هستیم که در کنار اصول خاص هنر سنتی انجام شده است و در شاهنامه شاه طهماسبی تحولی را شاهدیم که هنرمند روز به روز به آن دست یافته است.

- حسن کارگری آغمیونی (۱۳۷۸)، در پایان نامه ی خود با هدف پاسخگویی به سوالات زیر، با روش کتابخانه ای، بوده است:

زمان و مکان در دیدگاه فلسفی چگونه تعریف می گردد، به چه نحو زمان و مکان در آثار نقاشی شکل می گیرد، جایگاه نقاشی از دیدگاه سیاسی و اجتماعی دوره و زمان خود کجاست، پیشینه ی تاریخی نقاشی ایرانی چگونه تحلیل می شود، تمدن، فرهنگ، موقعیت جغرافیایی و ... چه نقشی در آفرینش آثار نقاشی ایرانی داشته است و نتیجه پژوهش حاکی است که ارزشهای ویژه ی نقاشی ایرانی که در عصر شاهرخ میرزا در شاهنامه بایسنقری در درخت تناور نقاشی ایران، به شکوه نشسته و در زمان شاه طهماسب میوه داده است.

- محمد حسین ذبیحی (۱۳۷۹)، در پایان نامه ی خود با هدف بیان این موضوع که خواستگاه و منشاء پیدایش و ظهور هنر ایرانی بی تردید معنا و ملکوت و مثال است، پایان نامه ی خود را پیش برده و بیان می کند که بررسی و دستیابی به این اصل، وجود ارتباط عمیق و ناگسستنی بین صور مختلف هنر ایرانی را به اثبات می رساند. موسیقی و نقاشی هریک با قالب بیانی خود، گویی یک فرهنگ، یک زبان یک تاریخ هستند که خواستگاه مشترکی دارند و در روند شکل گیری و تحول خویش هیچگاه جدا و به دور از هم گام برنداشته اند.

با توجه به اصل فوق، تلاش برای نمایش این ارتباط با تأثیر از عوامل هر دو رشته هنر سنتی به فرم، موسیقی و به موسیقی، فرم می بخشد. این تلاش و کنکاش، گاهی در آغاز رهیابی به چنین اصل و فرضیه ای است. در این میان، آنچه دارای اهمیت است بررسی عامل مهجور

ماندن نقاشی و موسیقی ایرانی است. بی تردید راه‌هایی و اعتلای هنری ایرانی، یافتن زبانی نو با گرایش سنتی و گویش زمانی خاص خود می‌باشد.

- شهین ترک زبان (۱۳۷۹)، به بررسی مکاتب ایرانی به ترتیب ادوار تاریخی و نقاشی ایرانی پرداخته است و الهام گرفتن نقاشی ایرانی از شعر پارسی و رابطه آن با عرفان و خیال را مورد بررسی قرار داده و همچنین نگاره‌ها را از لحاظ ترکیب بندی و مفاهیم عناصر بصری، شناسایی کرده است.

- آذر شعاع احمدی (۱۳۸۳)، به معنا و مفهوم هنر و عبادت و تشابه آنها پرداخته و مشخص می‌کند که هنر در اصل چیست و انسان به چه نوع از هنر نیازمند است، و چیزی که از هنر، مدنظر اوست و جهی است که انسانیت انسان را در بر دارد. او همچنین به امر قدسی پرداخته است و آن را به عنوان یکی از وجوه مشترک بین هنر و عبادت بیان کرده است.

- اشرف السادات مهیمیان (۱۳۸۱)، در پایان نامه‌ی خود به تعریف عشق و عشق عرفانی پرداخته است و مرتبه‌ی آن نزد فلاسفه و عرفا را مورد بررسی قرار داده است. در ادامه، او به تحلیل چندی از نگاره‌های شاهنامه که مضامین عاشقانه دارند پرداخته و پیوند میان ادبیات و نقاشی ایرانی را بررسی کرده است.

- معصومه مسعودی (۱۳۸۱) به توصیف نقاشی به عنوان تمثیلی از حقیقت برتر و تجلی حقیقت الهی، و به بررسی فضای نقاشی ایرانی از لحاظ ماوراء الطبیعی پرداخته است. او در این پایان نامه، تصوف، عرفان و خیال را توضیح داده است و به کشف و شهود هنرمند نگارگر و فضای فرا مادی نقاشی ایرانی پرداخته است.

- شیرین خادمی (۱۳۸۲)، با هدف دستیابی به تأثیر اندیشه‌های اشراقی حکمای اسلامی بر مبنای نور در نگارگری دوران اسلامی ایران با روش کتابخانه‌ای، به بررسی مختصری از جایگاه نور در میان ادیان گوناگون پرداخته و نقش و جایگاه نور در ادیان پیش از اسلام در ایران را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که حکمت نوری ایران - اسلامی که مبتنی بر وحی الهی است، همان است که سهروردی از آن به حکمت خالده تعبیر می‌کند. عصاره‌ی این حکمت از طریق آموزه‌های حکمای اسلامی و در قالب تصوف اسلامی در جنبه‌های گوناگون فرهنگ ایرانی نفوذ می‌یابد که هنر نگارگری نسخه‌های خطی ایران یکی از جلوه‌های بارز آن را به تجلی می‌گذارد.

- داریوش شایگان (۱۳۸۲)، در مقاله‌ی خود، باز نمایی بهشت را در هنر و معماری سنتهای و ادیان و دوره‌های مختلف بررسی می‌کند. او در ادامه به هنر ایران و در نهایت نگارگری

ایرانی می پردازد و همچنین معتقد است که هنر ایران، بینشی از صورت خیالی است که روشنگر این است که هنر تمام عالم هستی، مظهر تجلیات وجود است. در ادامه او سطوح مختلف نگارگری را بازتابی از مراتب مختلف عالم می داند.

- یوسف اسحاق پور (۱۳۸۲)، در مقاله ی خود به خصلتهای نگارگری ایرانی می پردازد و معتقد است که در نگارگری، هیچ درامی وجود ندارد. او می گوید، نگارگری ایرانی، جهان را به مثابه ی آینه ای می داند که جهان در آن منعکس می شود.

- مهناز شایسته فر، تاجی کیایی (۱۳۸۲)، در مقاله ی خود به بررسی نمادهای نور و فرشته ی راهنما یا پیر فرزانه در فرهنگ ایران و نگارگری دوره ی تیموری و صفوی پرداخته اند.

- توکا ملکی (۱۳۸۵)، او در مقاله ی خود به باغ ایرانی در نگارگری ایرانی می پردازد و سبکهای مختلف باغها را نام می برد و باغ های نگاره های مختلف را تحلیل و بررسی می کند. - مهنوش نادری (۱۳۸۵)، به بررسی تحلیلی نگاره های معراج نامه و توضیح معراج و تعریف داستان آن پرداخته است. او در پایان نامه ی خود، اوضاع فرهنگی و اجتماعی هرات را نیز مورد بررسی قرار داده است. به طور کلی وجه تمایز نگاره های معراج نامه با دیگر نگارگری های ایرانی، مورد نظر او بوده است.

- هادی محمودی نژاد، علی اکبر تقوایی (۱۳۸۶)، در مقاله ی خود به مناظره ی تجربه ی هنری و تجربه ی دینی در حکمت هنر اسلامی پرداخته اند. آنها چنین اظهار کرده اند که در حکمت هنر اسلامی، مراتبی از مناظره ی تجربه ی هنری و تجربه ی دینی دیده می شود، چنانچه تجربه ی دینی را می توان تجربه ی امری متعالی دانست که در مناظره با هنر اسلامی، به بیان امور قدسی و متعالی می پردازد، تجربه ای روحانی که در بسط و تعمیم مضامین قدسی و ملکوتی نقشی اساسی دارد، چنانچه مناظره تجربه عرفانی و هنری، در تذهیب و نگارگری، موسیقی و شعر، معماری و ترجمان غربت و قربت عرفانی در آن می پردازد.

- حقیقت بین (۱۳۸۷)، در مقاله ی خود نگاهی بر کتاب (هنر اسلامی، زبان و بیان) که اثر بورکهارت است می اندازد و خصوصیات هنر اسلامی و نمادگرایی آن را از دیدگاه بورکهارت بررسی می کند. در این مقاله نقش کعبه در هنر، پیکره ها و شمایل ها و مخالفت با شمایل نگاری در اسلام و در نهایت خصوصیات نگارگری ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

- محمد حسن فغفوری (۱۳۸۷) در مقاله ی خود به تعریف کلمه ی سنت و مفهوم هنر، زیبایی، سلسله مراتب هنر و ویژگی های هنرمند از نگاه سنت گرایان پرداخته است و در انتها به شرح هنر سنتی در کاربرد اجتماعی آن دست زده است. او معتقد است که سنتگرایان هنر را

به سه دسته تقسیم می کنند: دینی، سنتی و از همه مهمتر هنر قدسی. او در این مقاله به بررسی ویژگی های این هنر می پردازد و در این چهارچوب آرا و عقاید برخی از برجسته ترین سخن گویان مکتب سنت گرا در غرب از جمله سید حسین نصر و ... را در نظر می گیرد و اشاره ای نیز به مقبولیت یافتن روز افزون این وجه از هنر، هم در چهارچوب اسلام و هم ادیان دیگر می کند.

تعریف جامعه آماری و ویژگی های آن:

در پژوهش حاضر جامعه آماری، مجموعه مقالات و کتابهای سید حسین نصر وهم اندیشان وی همچون بورکهارت و پازوکی، اعوانی و... و کتب مربوط به عرفان اسلامی هستند و نگاره های شاهنامه ی بایسنقری و چندی از نگاره های معراج نامه ی شاهرخی، مربوط به مکتب هرات دوره تیموری، در مقایسه با نگاره های شاهنامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند.

شیوه ی جمع آوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل داده ها:

شیوه های مورد استفاده: مطالعه (کتاب و سایت اینترنت).
این پژوهش به شیوه کیفی و مقایسه ای تجزیه و تحلیل شده است.

فصل دوم

ادبیات تحقیق